

# داریوش شایگان

زیر آسمانهای جهان

مجموعه گفتگوها با رامین جهانگلر

ترجمه نازی عظیمیا



سرشناسه  
عنوان و پدیدآور : شایگان ، داریوش ، -۱۳۱۳ مصاحبه شونده  
: داریوش شایگان زیر آسمانهای جهان مجموعه گفتگوها با رامین جهاننگلو /  
ترجمه نازی عظیمیا  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک  
یادداشت

تهران : نشر فرزانه روز، ۱۳۹۶.  
[شازنده] ، ۳۱۲ ص  
۵- ۴۷۱ - ۳۲۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸  
عنوان اصلی : Daryush Shayegan. Sous les ciels du monde: entretiens avec Ramin Jahanbegloo, c1992  
یادداشت

: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان " زیر آسمانهای جهان " توسط نشر و پژوهش فرزانه روز در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است. مجموعه گفتگوهای با اندیشمندان امروز جهان؛ سومین.  
: نمایه  
: کتابنامه : ص. ۲۵۹-۲۶۱.  
: زیر آسمانهای جهان مجموعه گفتگوها با رامین جهاننگلو.  
: زیر آسمانهای جهان  
: شایگان ، داریوش ، ۱۳۱۳ --  
: فیلسوفان ایرانی -- مصاحبه ها  
: Philosophers- - Iran -- Interviews  
: شرق و غرب  
: جهاننگلو، رامین، ۱۳۳۵، - مصاحبه گر  
: Jahanbegloo, Ramin  
: عظیمیا، نازی ، ۱۳۲۶ - مترجم  
: DSR۶۴ /۵۵ / ش ۲۵ ۱۳۹۶  
: [BBR ۱۳۷۴ / ش ۲۲]  
: ۹۵۵ / ۰۸۲۴۰۹۲  
: ۶۷۸۲۴۸۷  
یادداشت  
یادداشت  
عنوان دیگر  
عنوان دیگر  
موضوع  
موضوع  
موضوع

شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابخانه ملی



## داریوش شایگان

### زیر آسمانهای جهان

مجموعه گفتگوها با رامین جهاننگلو  
ترجمه نازی عظیمیا

چاپ اول : ۱۳۷۴

چاپ هشتم : ۱۳۹۸ ؛ تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه ؛ قیمت : ۶۰۰۰۰ تومان

ناظر چاپ : مجتبی مقدم ؛ طراح جلد : شرکت طراحی باتیس / مهرداد نراقی

حروف نگاری : آریا ؛ لیتوگرافی : لاله ؛ چاپ و صحافی : تاجیک

### تمامی حقوق این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت ( چاپ - فتوکپی - صوت - تصویر و انتشار الکترونیکی ) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.

میدان ونک ، خیابان گاندی شمالی ، پلاک ۹ ، واحد ۱۰

تلفکس : ۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۱۷۲۴۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی : ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.ir / www.farzanpublishers.com

شابک : ۵- ۴۷۱ - ۳۲۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN: 978-964-321-471-5

## فهرست مطالب

۴	مقدمه
۱	از تهران تا لندن
۲۴	تحصیلات انگلیسی
۳۲	از جمال رافائل تا جلال میکال آتز
۳۵	مصدق: چهره‌ای آسیایی
۴۲	اندیشه دموکراسی برای جهان سوم
۵۵	کشف متافیزیک زیبایی
۶۷	در جست‌وجوی شرق
۶۷	آخرین حکیمان ایران سنتی
۷۸	سنت و مدرنیته
۹۱	نقش فریب
۱۰۰	ناآرامی خلاق ذهن غربی
۱۰۸	غرب - شیفتگی
۱۲۲	جذاییت مقاومت‌ناپذیر ایالات متحد
۱۳۳	از الهیات سلبی تا ایدئولوژی زده کردن سنت
۱۳۳	هانری گُرین: زائری از غرب
۱۴۲	میراث هایدگر
۱۴۷	متفکران روس
۱۵۱	مذهب و ایدئولوژی
۱۵۹	گفت و گوی تمدن‌ها
۱۵۹	مشخصات بارز فلسفه هندو

۱۶۲	گانندی و عدم - خشونت
۱۶۷	هندوئیسم و تصوف
۱۷۳	تناقض‌های ژاپن
۱۷۹	از بعد شبانه روح تا معرفت روزینه علم
۱۷۹	تجربه امر قدسی
۱۸۴	درباره تأویل
۱۸۹	انسان مدرن و دھوت به استعلا
۱۹۰	علم و دین
۱۹۵	چگونه می توان فرانسوی بود؟
۲۰۱	سیاحتگر معانی
۲۰۶	نقش عمودی شاعر
۲۰۹	پنج اقلیم حضور ایرانی
۲۱۲	هنر و تفکر
۲۱۵	یادآوری فضاهاى گمشده
۲۱۸	وضعیت هنر دوران بینابین
۲۲۳	اسکیزوفرنی فرهنگی
۲۲۶	روشنفکر پیرامونی کیست؟
۲۳۱	بیماری‌های تفکر
۲۳۵	نظریه پارادیم‌ها
۲۴۱	علم و فلسفه: آیا اتحادی نو میسر است؟
۲۴۷	بازگشت مذهب
۲۴۸	درباره خواست‌های دموکراتیک
۲۵۳	از تکثیر تصویر تا پایان کتاب
۲۵۶	جهانی بی راز
۲۵۹	فهرست منابع
۲۶۱	نمایه

## مقدمه

«عصر ماداغ رمانتیسیم آوارگان را بر چهره خواهد داشت.

سیوران

نویسنده رومانی تبار فرانسوی

این کتاب، سومین کتاب از «مجموعه گفتگو‌هایی با اندیشمندان امروز جهان» است. دو کتاب اول مجموعه به گفتگو با دو متفکر انگلیسی، یعنی آیزایا برلین و جورج استاینر، اختصاص داشت. این مصاحبه‌ها را به سفارش انتشارات فلن (Felin) پاریس انجام می‌دادم و ناشر مزبور در مجموعه یاد شده به زبان فرانسه انتشار داده است. ترجمه فارسی مصاحبه با آیزایا برلین منتشر شده و مصاحبه با جورج استاینر نیز بزودی از سوی نشر و پژوهش فرزانه به فارسی منتشر خواهد شد.

با داریوش شایگان حدود سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱)، وقتی که ۱۵ سال داشتم، آشنا شدم. در آن هنگام شایگان یکی از دوستان والدین من و یار وفادار شب‌نشینی‌های فلسفی‌ای بود که پدرم در آن ایام در خانه ما در شمیران ترتیب می‌داد و مرکز ثقلشان احمد فردید بود، شخصیتی پیر با رفتاری غریب و تخیلی سرشار از شور و حرارت فلسفی. من در سنی بودم که انسان میان‌ندای ناشناخته و ترس از نزدیک شدن به آن سرگردان است، اما نه در آن سطح فکری مطلوب بودم و نه آن جسارت و سبکسری

را داشتم که در بحث‌های بزرگترها شرکت کنم. با این همه مراقب اعمال و حرکات مهمانان بودم، و با چشم حرفهایشان را می‌بلعیدم و با دوگوش رفتارهای غریبشان را می‌شنیدم. برخی از آنان به وضوح میلی مفرط به مشاجره و جنگ فکری داشتند و عده‌ای دیگر به عکس مشتاق سکوت بودند. فیلسوف پیردوست داشت با مخاطبانش به همان‌گونه رفتار کند که در قرون وسطا شمشیرها را آب می‌دادند. نخست در آتش می‌گذارشان و بعداً، به محض اینکه سرخ و گداخته می‌شدند، با یک حرکت ماهرانه آنها را در آب سرد خطابه‌اش فرو می‌برد. به نظر می‌رسید که عده کمی می‌توانستند در برابر کلبی مسلکی شدید این مرد مقاومت کنند. با این همه کسانی بودند که به شیوه شوالیه‌های قدیم موفق می‌شدند با بالا بردن صدای خود، با واداشتن حریف به انجام عملی خنده‌آور، با مهارت ضربه‌هایش را دفع کنند. شایگان یکی از اینان بود. هنوز از او تصویر مردی را در ذهن دارم که قادر بود به همه چیز بخندد، از جمله به شخص خودش. امروز اگر لازم باشد تصویری از او در خاطرم بماند، تصویر مردی است برازنده با رفتار تاحدی متشخص مآبانه و یک جنتلمن انگلیسی و با نگاه سرگشته، شخصیت تابلوی چهره‌ناشناس اثر آل گرکو. چشمان «گرچی» گرد شده از حیرت، موهای مجعد به رنگ مه در بالای پیشانی‌ای غیر قابل دسترس، و ریشی چخوفی اصالتی خاص به این چهره می‌بخشد که به نحو غریبی به چهره شخصیت‌های رمانهای روسی قرن نوزدهم می‌ماند. اما، اگر چهره او به خاطرمانده است، به این علت است که هنوز هم در آن ملاحظه‌ای را مشاهده می‌کنم که بندرت در دیگران دیده‌ام. مسلماً بسیاری خواهند گفت که محبت و لطف طبیعی‌اش می‌تواند موجب شود کوشایی و سخت‌گیری فلسفی‌اش را فراموش کنیم. اما خط سیر شایگان به جای او صحبت می‌کند. از میان روشنفکران جهان سوم - که بر خلاف همقطاران غریبشان سالکان بزرگی نیستند و به سهولت در قالب تنگ خودشان و فکر بسته‌شان به جهان محبوس می‌شوند - داریوش شایگان از جمله متفکرانی است که ماجراهای فلسفی‌اش را به ابعاد آسیا و اروپا وسعت بخشیده است. نتیجه آن اشتهاری است که بازتاب‌گاه مبالغه‌آمیز آن اغلب موجب خشم جماعتی از روشنفکران شده است که دوست دارند متفکران را در دسترس خود

نگهدارند تا بتوانند براحتی آنها را در اختیار گیرند و رام کنند.

اما داریوش شایگان، بیش از آنکه فیلسوف به معنای دقیق کلمه باشد، شخصیتی واقعی است، شخصیتی که اطرافیانش در واقع هرگز نتوانسته‌اند بدرستی جایش را تعیین کنند. این شخصیت را من کوشیده‌ام از خلال این مصاحبه‌ها نشان دهم. این مصاحبه‌ها را ما در مدت دو هفته، روز به روز و ساعت به ساعت انجام دادیم، در مکانی جادویی با رایحه مسحورکننده تغزل پرووانسی، پیش نگاه فریبی مارکی دوساد، مکانی که در آن روح این سرمایه‌نهایی جوهر انسانی را که امر مقدس است با گذشته تقسیم می‌کند.

ما موضوع اصلی گفتگوهایمان را بیشتر تنوع فرهنگ‌ها قرار دادیم تا جستجوی وحدت‌گرایی. با اینهمه، خط جستجوهای ما از مرزهای یک روایت واحد فرا می‌گذرد و همزمان به مسائلی می‌رسد که تاریخ قرن بیستم برای ما مطرح می‌سازد. چون تاریخ یک زندگی صرفاً منتج از جزئیات بی‌اهمیت نیست. بلکه کاملاً بر عکس، خط مسیر شخصی یک متفکر، شیوه زندگی‌اش، سفرهایش، و ارتباطش با فلان یا بهمان اندیشه و تفکر تابع اگر نگوییم یک طرح فلسفی واحد، که یک دل‌مشغولی فکری واحد است. در مورد داریوش شایگان، خود اوست که از خلال آثارش ما را برمی‌انگیزد تا هرگز مسیر فردی یا تاریخ خاصی را از جستجوی فلسفی شخصی جدا نسازیم. پس نباید اشتباه کرد. عدم عرضه فکر شایگان به صورتی آموزشی و تعلیمی و رساله‌ای و ارائه آن به شیوه گفتگو را نباید صرفاً یک مسئله سبکی و بیانی دانست، بلکه باید آن را حقیقتاً انتخابی فلسفی به شمار آورد. با اینهمه، سعی بر این بوده که از هرگونه ساده‌سازی نابجا که می‌تواند به سوء تفاهم‌های جدی بینجامد احتراز شود. چون بی‌آنکه بخواهیم نقش و بُرد آثار شایگان را کاهش دهیم، مایل هستیم که این آثار را در متنی فراگیرتر قرار دهیم، یعنی در متن وقایع تاریخی - سیاسی برای آنکه بتوانیم اصالت انسان و غنای فلسفی‌اش را هویدا سازیم.

بنابراین، این کتاب پیش از هر چیز به صورت حادثه‌ای فکری جلوه گر می‌شود، و مسائلی روش شناختی و فلسفی که شایگان با آنها مواجه می‌شود در تاریخی فردی

تظاهر می‌یابد. این تجربه‌ها حکم علائمی را دارند که در چشم‌انداز فکری شرقی یا اروپایی به کار تعیین جهت می‌آیند و برای نیل به این مقصود اعتبار بیشتر را به محورهای معنی‌داری می‌بخشند که برانگیزاننده مشکلات و مسائل علم شناختی، اخلاقی، زیبایی شناختی، یا سیاسی نزد هر متفکر مسئول و نقادی هستند که شایسته این نام است، متفکری که خود نیز این حق را برای خود قائل است که به بررسی تابوها و موانع هر سنت فکری پردازد.

تردید نیست که عرضه مجموعه این جستجوها به منظور ارائه یا قرائت خطی صورت نگرفته است. پس می‌توان این کتاب را بر مبنای خطوط مختلف، بسته به علائق فلسفی یا تاریخی خود، خواند. به این ترتیب، هر بخش در واقع زمینه‌ای است برای طرح عده‌ای از پرسش‌ها که، پیش از آنکه به پاسخ‌های از پیش آماده بینجامد، زمینه‌های دیگر را به دنبال خود می‌آورد. دل مشغولی عمده ما نشان دادن تنوع و تعدد تجربه‌های یک فیلسوف از طریق سخنان وی بوده است، و در این کار کوشیده‌ایم، تا آنجا که مقدور بوده است، از روش‌های پیچیده بسیار سخت و فنی احتراز کنیم. این انتخاب ما را بدانجا کشاند که به گفتگوی آزاد روی آوریم که محمل فلسفی یک جامعه دموکراتیک است، و در این کتاب این گفتگوی آزاد به صورت بازی مداوم پرسش و پاسخ میان دو روشنفکر از دو نسل مختلف تظاهر می‌یابد که در شامگاه رویارویی سنت و مدرنیته، خود را بازتاب‌گاه نامنتظر گفتاری واحد می‌یابند. پس طبیعی است که مرکز ثقل چنین گفتگویی مباحث کنونی جهان ما باشد. در میان این مباحث، جای عمده‌ای را به مسئله دموکراسی و کثرت‌گرایی فرهنگی و سیاسی اختصاص دادیم. چون به گمان ما نمی‌توان بر ضرورت گفتگو پای فشرده بی‌آنکه، به همان نحو، بر این نکته تأکید کرد که فقدان آن تا چه اندازه در نظر ما به شکلی فاجعه‌بار بر تاریخ قرن بیستم و بویژه کشورهای جهان سوم اثر گذارده است. شاید انسانهای شیفته شکیبایی، گشودگی، و آزادی باید با دقت بیشتری طبیعت متکثرگفتگو را مد نظر قرار دهند، یعنی به شمار آوردن هستی شناختی و سیاسی «دیگری» را. در این چشم‌انداز، مواجهه اندیشه‌ها و ارزش‌ها باید به ما امکان دهد حدود مسئله شکل‌گیری و اداره دموکراتیک کثرت‌گرایی را بهتر



مشخص سازیم. اما هر پرستی در خصوص شرایط امکان «با هم زیستن» دموکراتیک مستلزم نوعی ارزیابی نقادانه قدرت و نفوذ و اقتدار اخلاق سیاسی است. در این زمینه، همچون بسیاری زمینه‌های دیگر، مسئله اصلی یافتن نشانه‌های اساسی وجهی از زندگی اجتماعی است که به عنوان شکلی از زندگی مدنی و شهروندی می‌خواهد متکثر باشد. چون در واقع، مسئله کثرت‌گرایی ضرورتاً از دیدگاه فلسفی در چهارچوب مدرنیته قرار دارد. به این دلیل است که پرستش نقادانه از سنت فلسفی و از شیوه عملکرد سیاسیش طبیعتاً ما را به چشم‌انداز فلسفی مدرنیته کشانده است. اما به نظر می‌رسد که رابطه با مدرنیته ضرورتاً متأثر از بینشی توهم‌زدایی شده و تقدس‌زدایی شده نسبت به جهان است، بینشی که از این پس مقدم بر طرح مدرن دموکراسی است. اگر فرض کنیم که می‌توان به این ترتیب از مدرنیته تعریفی به دست داد و حتی از رهگذر آن «تجربه غربی دموکراسی» را توصیف کرد، پس مسئله خاصی که این تجربه ایجاد می‌کند چه می‌تواند باشد؟ می‌توان در یک کلمه پاسخ داد: مسئله ارزش جهانی آن. بنابراین، در نظر ما کاملاً درست و مشروع است که از مسائلی صحبت کنیم که در نتیجه انتشار و رواج سریع ارزشهای جهانی طرح شده است. در این خصوص، اعوجاج‌هایی که شایگان در آثار مختلفش تحلیل می‌کند تماماً نشان‌دهنده آن هستند که فرآیند مدرن‌سازی کور در کشورهای جهان سوم گرفتار نوعی حرکت قهقراپی شده است. در نظر بسیاری کسان، بازگشت به اشکال کهنه سیاسی تنها راه زنده کردن هویتی فرهنگی است که جریان همگون‌شدگی ناآگاهانه با ارزش‌های غربی آن را به مخاطره افکنده است. بدین‌گونه، سنت‌گرایی سیاسی در پرتو مسائل اقتصادی، توانسته است در میان ملت‌های بسیار فقیری که بیشترین تأثیر را از جریان مقتدرانه مدرن‌سازی پذیرفته‌اند پیشرفت کند. به همین علت بسیاری از کشورهای جهان سوم، علی‌رغم تلاش‌های تحسین‌انگیز نخبگان‌شان در اوایل قرن بیستم، در نیمه راه مدرنیته از حرکت بازماندند. از سوی دیگر آینده‌شگفت‌انگیز مدرنیته صوری و رجعت به گذشته موجب پدید آمدن مجموعه‌ای از ندانم‌کاری‌های اجتماعی و فلسفی شده است که برخی از کشورهای جهان سوم را بدل به جامعه‌ای کرده است دستخوش پندارهای

نامعقول و کردارهای دلخواه و حساب نشده. اما آنچه نگران‌کننده است، نه وسعت و شگفتی این آینده، که حرکت قهقهرایی اخلاق مدنی در برخی از این کشورها است - حرکتی که تمام طرحهای مربوط به آینده را در این بخش از جهان به شکست می‌کشانند. بر این همه باید «نظم نوین جهانی» و دگرگونی‌های متعددی را افزود که طی سالهای آینده و در اوایل قرن بیست و یکم بر حوزه‌های محیط زیست، تحول تکنولوژیکی، روابط اقتصادی، و حتی بر ذهنیت‌ها اثر خواهد گذاشت. مرگ ایدئولوژی‌ها، که فروپاشی کمونیسم نمایش بارز آن بود، بیش از اینکه نشانه «پایان تاریخ» باشد، بار دیگر به صورتی مسلم ثابت می‌کند که اسطوره‌کشوری با مرزهای فرهنگی و سیاسی بسته دیگر نمی‌تواند در جهان امروز معتبر باشد. پس باید به جهان و تغییراتش گوش فراداد و با دیگر مدل‌های تفکر و اداره امور سیاسی مواجه شد، بویژه که یک بینش یکدست و انعطاف‌ناپذیر نسبت به جهان از این پس گرفتار معارضه و برخورد خواهد بود.

بنابراین، اگر هدف آخرین بخش این کتاب بررسی پرسش‌های اساسی این آخر قرن است، به این خاطر نیست که در مورد پنج سال آینده دست به پیش‌بینی نزنیم. مسلم است که کوشش برای تدوین سناریوهایی در باره وضعیت بین‌المللی در افق سال ۲۰۰۰ کاری بسیار دقیق و ظریف. با اینهمه، ما توانسته‌ایم بیم‌ها و امیدهایمان را در خصوص مجموعه آن چیزهایی که در این عرصه به معارضه گذارده شده است، و روز به روز نیز بر شدت آن افزوده می‌شود، با معاصرانمان قسمت کنیم. می‌خواهیم بگوییم که جهانی که در آن بسر می‌بریم رفته رفته متوجه می‌شود که قدرتهای افسانه‌ای صنعت و تکنولوژی تهدیدی حتی برای هستی خودش هستند؛ که، همان‌گونه که فیلسوف آلمانی معاصر هانس یوناس در کتاب اصل مسئولیت می‌گوید، ما نیازمند اخلاق تازه‌ای هستیم که بتواند در برابر معارضه‌جویی‌های تمدن تکنولوژیک پیشرفته اصولی سامان‌بخش در اختیار ما گذارد؛ که هیچ یک از دستاوردهای ماقطعی نیست، که انسان هنوز همچون سیزیف صخره‌اش را بر شانه دارد و بالا می‌برد، که مادامی که علی‌رغم نفرت‌ها و خشونت‌هایی که جهان ما را از هم می‌درد، گفتگویی آرام و بدون جنجال میان

صاحبان فرهنگهای مختلف بر سر آینده بشریت صورت نگیرد، ما محکوم هستیم که همان اشتباهات خودمان را به نسلهای بعدی منتقل سازیم. این مصاحبه‌ها با مراجعه به مراحل عمده شکل‌گیری جهان فکری اندیشمندی همچون شایگان می‌کوشد به پرسش‌هایی پاسخ دهد که در روزگار کنونی و در نتیجه مواجهه فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر پدید آمده‌اند. چون در روزگار ما بسیار دشوار شده است که از مسئله رویارویی شرق و غرب یاد کنیم و در عین حال به چیزهایی که غرب از شرق می‌داند و آنچه روشنفکران کشورهای جهان سوم از غرب می‌دانند اشاره نکنیم. پس افق دید داریوش شایگان بسیار وسیع است، و حتی به نحوی برجسته به روی تمام اشکال دیگر فرهنگ باز است. پس داریوش شایگان فردی است با چندین حقیقت. اینکه او پس افکار یونگ، هایدگر، یا کُربن پناه می‌گیرد، بخوبی نشان می‌دهد که آثارش در تلاقی‌گاه معارفی قرار دارد که شاخص تجربه درونی انسان مذهبی هستند. بنابراین، در نظر شایگان، تجربه درونی یکی از شروط تفکر و یکی از وجوه زندگی است. این چیزی است که به او امکان می‌دهد که تبعید درونی‌اش را نسبت به این «سرزمین اوهام» که شاهد تولد آن بوده است بسنجد. می‌توان گفت که او در صحرای زمان، فانوس به دست، در جستجوی اوراق کهنه شده کتاب تاریخ است. همچون خواب دم صبح، آثار شایگان می‌خواهد عصری را تصویر کند که به نظر می‌رسد عصمتش را از دست داده است. اما اگر عقل تراژیک این آثار را استشمام نکنیم و زخمهایی را که در آن به فضایی وهم‌آلود آغشته هستند نبینیم، آنها را بد فهمیده‌ایم. شایگان هر چند فرزند ایران جاودانی است، انسانی متعلق به عصر ما نیز هست. سراسر زندگی او تبعیدی است میان غربت سرزمینی غایب و آرزوی دستیابی به قله رفیع تفکر کنونی. به همین جهت او یکی از آن آوارگان رمانتیکی است که «سرنوشت نادیدنی جهان ما» را رقم می‌زنند.

**رامین جهانگل**